

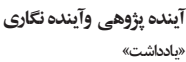
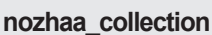


در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی

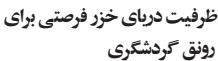


۲

تسلیت باد

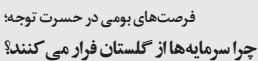
تسلیت باد

۳

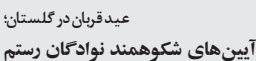


ادبیات

59



« 人 »



« »



« ٩ »

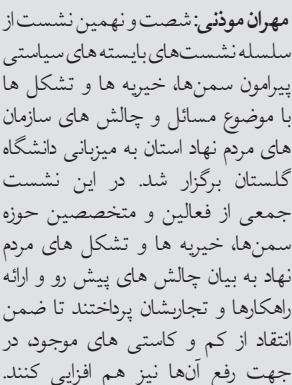
یادداشت اول

■ بامسؤولیت سردیر

سالگرد ارتحال امام راحل (ه) را گرامی می‌داریم. انقلاب اسلامی ملت ایران که با رهبری امام خمینی به پیروزی رسید رامی‌توان ادامه انقلاب مشروطه در ۱۳۵۵ هجری شمسی دانست. انقلابی که مردم ایران بر علیه بی عدالتی، تبعیض و ناکارآمدی پادشاهی در آن دوران به رهبری بازگنان، روحانیون و روشنفکران برپا کرده بودند. بعد از زمان اندکی به افسردگی و شکست مشروطه ایرانیان ختم شد و دوباره در ۱۳۰۶ استبداد از گوشه ای دیگر سر بر آورد. مردمی که خواهان مشروطه شدن قدرت، تأسیس عدالتخانه و حکومت قانون بودند چکمه های استبداد را بر گرد خود احساس کردند و با ظهور و تثبیت رضا خان، آرزوی همه ی انقلابیون بر باد رفت و کم کم نغمه های آزادیخواهانه ای که در کلمات دهخدا و در نغمات عارف قزوینی طنین انداز شده بود سرد شد و آزادیخواهان و انقلابیون هر کلام در گوشه ای سر به جیب خویش فرو بردند. خواسته های ایرانیان در انقلاب مشروطه عبارت بود از: حکومت قانون، تأسیس عدالتخانه و مجلس شورای ملی و حکمرانی مشروطه که با استبداد رضا خانی هیچ یک نیز محقق نشد و نتیجه آن شد که اعتراض های امام خمینی پس از دهه به بار نشست و ملت ایران این بار خواسته های خود را در قامت امام راحل متجلی دید. اما امروز بیش از سه دهه از رحلت آن مرد آسمانی گذشته است. توجه به آرمانهایی که مردم ایران برای آن پا به رکاب امام راحل (ه) گذاشتند و توانستند بساط قرن ها حکومت پادشاهی در ایران را درهم بپیچند در این روزگار سخت می‌تواند به مسوولان و ملت ما چارچوبی برای حل مشکلات باشد. بازگشت به شعارهای

ایران در مشروطه بوده است، می تواند امید به آینده و پایداری ایران در برابر حواشی را ضمانت کند. براین اساس گمان می کنیم تأکید بر شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی قطعاً راهبردی ترین راه حل برای حکمرانی قانون و گذر از تلخی ها و ناکامی ها است. انحراف از مسیر جمهوریت، بی توجهی به خواسته های شهروندان پایه های آزادی و استقلال را متزلزل خواهد کرد و با حلف جمهوریت یا کم رنگ شدن آن عملاً تحقق مبانی دینی هم به حاشیه خواهد رفت. بنابراین باید در مسیر تحقق خواسته های ملت ایران گام برداشت تا روح آن امام فزانه هم از به ثمر نشستن شعارهای انقلاب اسلامی خوشنود باشد.

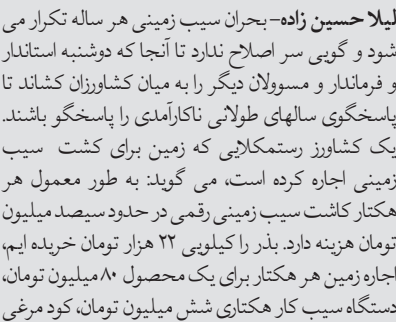
نهادهای مدنی



نهادهای مدنی و گفتمان حق‌محور

دکتر احسان مکتبی، صاحب امتیاز روزنامه گلشن مهر و معاون پیشین سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان

بحران تکراری سیب زمینی



کیلویی سه هزار تومان. این کشاورز دامه می دهد اگر در هر هکتار سی تن سیب زمینی برداشت کنیم و کیلویی ده هزار تومان به فروش برسد، تنها هزینه های تولید به دست آمده است و حال آنکه الان سیب زمینی ده تومن نیست و کمتر خریداری می شود. این سیب زمینی کار یادآور شد: سالهاست ما این مشکل را داریم و تنها واسطه ها و دلال ها پیروز میدانند در حالی که ما حق زحمات خود را هم نمی توانیم بگیریم. یادآور می شود در پی اعتراض سیب زمینی کاران به شرایط خریک مسوولان استانی با حضور در جمع آنها به کشاورزان قول پیگیری دادند.

ادامه تیر اول

احسان مکتبی ادامه داد: اما دقیقاً کار نهادهای مدنی چیست؟ نهادهای مدنی در جهان مدرن واژه عام «مردم» را تعریفی جامع و مانع می‌کنند. به این معنا که جامع همه آنچه که مردم می‌خواهند و مانع سو استفاده صاحبان قدرت از واژه مردم، معاون پیشین سیاسی و امنیتی استانداری گلستان تاکید کرد در سطح جامعه ما تصادم این دو گفتمان حقوق محور و تکلیف محور را به ظاهر نمی‌بینند. اما در عمق ماجرا این برخورد وجود دارد. مکتبی درباره خاستگاه گفتمان حق محور، آن را برخاسته از کلام الهی و اندیشه های آرایه‌خواهانه دنیای مدرن عنوان کرد و گفت: کلام خداوند در قرآن مبنی بر آزاد مسئول و پاسخگو بودن انسان است. این حق انسان است که آزاد باشد و از حاکمان پاسخ بخواهد. اما در آن سو گفتمان تکلیف محور مبتنی بر قرائتی دیگر از متون مقدس، در رقابت با گفتمان حق محور است و می‌گوید این موارد لزوماً جزو حقوق افراد نیست. بلکه گاهی وظیفه است و باید انجام شود و درگیری این دو گفتمان از انقلاب مشروطه تا به امروز در زندگی ایرانیان چالش آفرینی می‌کند. به طوری که هیچ یک در ۱۲۰ سال گذشته میدان را مگر با فشار به نفع دیگری خالی نکرده‌اند. مکتبی یادآور شد: یکی از مصادیق های عینی این درگیری ها مساله دختران و روسری است. این چالش، حکمرانان را ملزم کرد که در برابر شهروندان متکی به گفتمان حق محور و پرسشگر، کوتاه بیایند. احسان مکتبی درباره پایه‌های فلسفی گفتمان حق محور گفت: نهادهای مدنی می‌پذیرند که انسان به ماهو انسان موجودی پاسخگو، آزاد و متعهد در برابر مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی و... خود است. مکتبی سپس به نقش نهادهای مدنی در توسعه متوازن اشاره کرد و افزود: بزرگ ترین خدمتی که نهادهای مدنی در جامعه ای مثل ایران می‌توانند ارائه کنند، به تعبیر دکتر مقصود فراستخواه، «کنشگری مرزی» است. این نهادهای می‌توانند در وهله نخست بین دو گفتمان حق و تکلیف قرار بگیرند و از تصادم و ساییدگی این دو و در نتیجه خشونت بین دولت و ملت و بین لایه های متفاوت جامعه جلوگیری کنند. مکتبی با اشاره به اشکالات ساخت قدرت در ایران گفت: اما (پارادوکس) عجیبی در حکمرانی مرکزی ما وجود دارد و یکی از آن‌ها این است که تمامی نهادهای مدنی و احزاب باید از دولت که صاحب قدرت مطلق است، مجوز بگیرند. نهادهای مدنی از گفتمان حق دفاع می‌کنند و دولت از گفتمان تکلیف و این خود باعث مشکلات بسیاری برای نهادهای مدنی شده و خواهد شد. وی تاکید کرد: در نهایت غلبه با گفتمان حق است و ما به آرامی و بدون خشونت به سمتی می‌رویم که مردم شهروندان درجه یک باشند. ژان ژاک روسو در قرارداد اجتماعی می‌گوید: صدای مردم صدای خلدست. حرکت نهادهای مدنی به سوی حضور در قدرت، تعبیر همین جمله است. مردم حاکم بالامنابع هستند و در جوامعی که این اتفاق نیفتاده باشد حرکت طبیعی جامعه بشری به سمت ارتقا انسان و گسترش دانایی و در نتیجه غلبه گفتمان حق محور خواهد بود. بنابراین نهادهای مدنی باید با تلاش و خلاقیت مسیر خود را که مسیر شکوفایی انسان است، ادامه دهند و به تعبیر زیبایی جناب سعلی، سعیدیا چاره ثبات است و ملارا و تحمل، بر ملارا و ثبات در راه تاکید کنند.

ثبات و نظارت سمن‌ها

دکتر وجیهه جلالیان، استادیار جامعه شناسی دانشگاه گلستان، اهمیت فرایند ثبات و نظارت سمن‌ها را زیر ذره بین برد و عنوان کرد: یکی از مسائل مربوط به سمن‌ها، بحث فرایندهای ثبات و نظارت است که در نتیجه آن مشخص نیست سمن‌ها تا چه اندازه در مشارکت و تصمیم گیری ها دخیل هستند و می‌توانند در اصلاح قوانین پیشرو باشند. یکی از پیامدهای این ابهامات در جایگاه قانونی سمن‌ها، محدودیت برای دسترسی به منابع مالی است. در نتیجه اعتماد و مشروعیت اجتماعی زیادی نصیب آن‌ها نمی‌شود. سمن‌ها اساساً نمی‌توانند برنامه‌ریزی طولانی مدتی داشته باشند. اگرچه که آمار دقیقی از چرخه عمر سمن‌ها وجود ندارد اما این مسئله

می‌تواند بر روی آن تأثیرگذار باشد. ابهاماتی که در مورد منابع مالی سمن‌ها و نقش آن‌ها در جامعه وجود دارد، مشروعیت کم تر آن‌ها را سبب می‌شود. سرمایه اجتماعی در حال حاضر به بحرانی ترین شرایط خودش رسیده است و این به معنای کاهش اعتماد معنی دار مردم است. طبق آخرین داده های منتشر شده در سال ۱۴۰۱، تنها ۲۳ درصد از مردم به نهادهای دولتی اعتماد داشتند. این خود بر اعتماد به سمن‌ها نیز موثر است. در چنین وضعیتی، سمن‌ها می‌توانند جایگزین نهادهای دولتی برای اعتمادزایی باشند. از طرفی نیز می‌توانند بخشی از سیستم موجود باشند که اعتمادی به آن‌ها صورت نمی‌گیرد. یکی دیگر از چالش‌های ناشی از ابهام در جایگاه قانونی سمن‌ها، نگاه بالا به پایین دستگاه‌های دولتی به آن‌هاست. به طوری که تضاد منافع بین سازمان‌ها و سمن‌ها به چشم می‌آید. در گفتمان سمن‌ها رویکردی مشارکتی و جامعه محور با هدف توانمندسازی وجود دارد. نگاه سمن‌ها به مسئله کودکان کار از همین نوع است. در حالی که نگاه نهادهای دولتی به آن‌ها به طرح پاک‌سازی کودکان کار ختم شد که مصادیق گفتمانی از بالا به پایین و بروکراتیک است.

مساله آموزش

نسرین حسینی، مدیرعامل مجمع خیرین استان گلستان، درباره اهمیت آموزش در بهبود کارایی تشکلات حوزه آسیب‌های اجتماعی گفت: بالغ بر ۴۰۰ تشکل در حوزه آسیب‌های اجتماعی در استان فعال هستند که با توجه

سازمان‌های مردم نهاد وجود ندارد. توسعه و تقویت سازمان‌های مردم نهاد از ارکان حکمرانی اجتماعی هستند. در نهایت نیز هلف حفظ و ارتقای سرمایه های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی سبب رسیدن به یک مشارکت اجتماعی منطقی و تأثیرگذار خواهد شد. سازمان‌های مردم نهاد به مثابه نوزادهایی بودند که نارس متولد شدند. ما زیرساختی جهت تبلور سازمان‌های مردم نهاد تعریف نکردیم. در نتیجه بعد از گذشت تقریباً ۳ دهه، هنوز قانون جامعی برای سازمان‌های مردم نهاد نداریم. جای دارد از خود پرسیم که چطور چنین چیزی ممکن است؟ شاید تمامی چالش‌ها و مشکلات ما به همین خاطر باشد. میزان و نوع مشارکت مردم در فعالیت‌های مختلف معیار سنجش پویایی یک جامعه است. من معتقدم که ما در حوزه اجتماعی جامعه پویایی نداریم. آسیب‌هایی که روزه‌روز شاهد افزایششان هستیم، نشان دهنده این هستند که زمینه کارکرد اجتماعی مشارکت مردم فراهم نشده است. شاید از این رو که اهتمام، اعتقاد یا فهم اجتماعی بین تصمیم گیران و تصمیم سازان وجود نداشته است. یک سازمان مردم نهاد باید فرایندی ده مرحله‌ای را برای اخذ پروانه فعالیت طی کند. هنگام تمدید پروانه نیز باید همان فرایند تکرار شود. در حالی که در هیچ کشوری چنین فرایندی وجود ندارد. ثمره این فرایند دل زدگی و سرخوردگی افرازی است که با عشق و علاقه برای رفع مشکلات، پا به عرصه گذاشتند و خود به واسطه ساختار معیوب اداری درون مشکلات افتادند. در عرصه‌هایی که



دستگاه‌های دولتی نتوانستند مشکلات را حل کنند، نیاز است تا از خود مردم استفاده شود. عامل مردمی کردن امور به صورت نظام مند همین سازمان‌های مردم نهاد هستند. تا هنگامی که مدیران تصمیم گیر و تصمیم ساز فهم اجتماعی نداشته باشند و نظام معنایی و مفهومی حوزه اجتماعی را نشانسانند، نمی‌توانند تأثیرگذار باشند.

آفت سازمان‌های مردم‌نهاد

سیدمحمد حسینی، مدیرعامل مؤسسه مهرآفرینان جوان به عنوان دیگر سخنران این نشست، فعالیت برخی سازمان‌های مردم نهاد را موجب بلنای دیگر سازمان‌ها و سنگ اندازی بر مسیر آن‌ها قلمداد کرد. وی در همین باره گفت: از بین هزار سازمان مردم نهاد، ۷۰۰ سازمان فعال در استان وجود دارند که به ۳ گروه تقسیم می‌شوند. تعدادی از آن‌ها تنها در یک حوزه تخصصی فعالیت می‌کنند. دسته دوم سازمان‌های فعال و تأثیرگذار در چند حوزه تخصصی هستند. گروه سوم سازمان‌های مردم نهاد سرگردان و غیرفعال هستند که هدفشان جذب بودجه است. آفت سازمان‌های مردم نهاد همین گروه است که متاسفانه شاید بیش‌تر بودجه‌های دولتی را هم جذب کند. مدیران این سمن‌ها با توجیه اینکه علوم اجتماعی خوانده‌اند، در همه حوزه‌های تخصصی فعالیت می‌کنند. متاسفانه اشتباه برخی از این سازمان‌ها توسط نهادهای امنیتی به کل سازمان‌های مردم‌نهاد تعمیم داده می‌شود. باید سیاست درست و واحدی در حوزه مردم نهاد تعیین شود. به طور مثال، رویکرد سازمان‌های حوزه اعتیاد با سازمان‌های مردم نهاد سلیقه‌ای است. این قبیل چالش‌ها در تمام کشور و حوزه‌ها وجود دارد. اگرچه اعتقاد من این است که قانون جامع سازمان‌های مردم نهاد مفید است،

اما عدم وجود آن نیز مانع فعالیت ما نشده است. یکی از مسائلی که تدوین قانون را برای بسیاری از کارشناسان الزام آور کرده است، بحث ابهامات روابط سازمان‌های مردم نهاد و بخش‌های دیگر جامعه و جوامع بین‌المللی است. همچنین مخدوش بودن مرزهای هویتی این سازمان‌ها در جامعه و موانع فراوری آن نیز مزید بر علت است. بحث پاسخگو نبودن و عدم شفافیت این سازمان‌ها نیز نوعی چالش است. باید توجه داشت که ضعف در مدیریت از جمله دلایلی است که موجب عدم شفافیت، تصمیم‌گیری‌های نادرست و کاهش بهره‌وری می‌شود.

شبکه‌ها، حلقه مفقوده سازمان‌های مردم‌نهاد

سلیمان آرخي، دبیر اجرایی مؤسسه سبزگامان بسکی، نقش شبکه‌ها در رفع چالش‌های سازمان‌های مردم نهاد را زیر ذره بین برد و گفت: عمده ترین ویژگی یک سازمان مردم نهاد مستقل بودن از دولت است. اغلب NGOها چه در کشور و چه در استان گلستان با مشکل پراکندگی رویه‌رو هستند. تعداد تشکلات ثبت شده محیط‌زیستی استان به عدد ۱۰ نمی‌رسد. در حالی که این سازمان‌ها نتوانسته‌اند هماهنگی و ارتباط خوبی با هم برقرار کنند. همین موضوع سبب می‌شود تا در این میان ائتلاف منابع صورت بگیرد. از همین رو، شبکه‌سازی می‌تواند به عنوان راهکاری برای این چالش مورد توجه قرار بگیرد. یعنی ارتباطاتی هدفمند و پایدار بین سازمان‌های هم راستا برای هم افزایی منابع، تجارب و اهداف صورت بگیرد. اتحادیه‌ها و کنسرسیوم‌ها از جمله شبکه‌های رسمی و ارتباطات دوستانه، فردی و تجربه محور از جمله شبکه‌های غیررسمی هستند. اعضا نباید صرفاً به قصد تقویت خود و مصادره به مطلوب به شبکه‌ها بپیوندند. بلکه باید تقسیم کار و منابع به صورت تخصصی انجام شود، اشتراک‌گذاری تجارب صورت بگیرد و همه در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشته باشند. متأسفانه یکی از چالش‌های شبکه‌ها عدم تصمیم‌گیری جمعی است. همچنین باید توجه داشت که شکل‌گیری شبکه‌ها به رفع برخی محدودیت‌ها مانند کمبود تجربه و نیروی کار ناشی از کمبود منابع مالی ختم شود. افزایش اثرگذاری اجتماعی نیز از جمله مزایای شبکه‌سازی است که موجب شنیده شدن صدای سازمان‌های مردم نهاد می‌شود. علاوه بر این، شکل‌گیری شبکه‌ها از رقابت منفی نیز می‌کاهد. البته مواردی چون فقدان اعتماد بین اعضا، تضاد منافع، نبود ساختار تسهیلگر بین سازمانی، نابرابری در منابع و جایگاه سازمان‌ها، ضعف مهارت‌های مدیریتی در سطوح بین سازمانی نیز از چالش‌ها و مشکلات این شبکه‌ها هستند.

هماهنگی با نهادهای دولتی

شیدا شاکری‌نژاد، مدیرعامل انجمن بیماران ام اس گلستان به عنوان واپسین سخنران نشست درباره لزوم هماهنگی سازمان‌های مردم نهاد با نهادهای دولتی عنوان کرد: اگرچه که تشکل‌ها نهادهایی مردمی هستند، اما با توجه به وضعیت موجود حاکم بر جامعه ما، با نهادهای دولتی که بازوهای دولت نامیده می‌شوند، تنیده شده‌اند. قطعاً تعامل بین این دو گروه منجر به پیش رفتن امور خواهد شد. متأسفانه تشکل‌ها در تصمیمات کلان مشارکت ندارند و هر یک بر اساس رسالت اجتماعی و علاقه‌شان مشغول به کار هستند. من به یاد دارم که تشکل‌ها زمانی به عنوان مشاورین کمیسیون‌های شورای شهر حضور داشتند و می‌توانستند اثرگذار باشند. در حالی که امروزه خبرنگارها جایشان را گرفته‌اند. البته نیاز است تا بین خود نهادهای دولتی نیز هماهنگی وجود داشته باشد. به طور مثال در استان گلستان، دانشگاه علوم پزشکی، بیمه‌های تأمین اجتماعی و سلامت و بهزیستی با هم هماهنگی ندارند. ما در تهران این راهکار را داریم که دانشگاه علوم پزشکی گلستان و بهزیستی تفاهم‌نامه‌ای امضا کنند، اما این قبیل اتفاقات صورت نمی‌گیرد. چنین تفاهم‌نامه‌هایی موجب بهبود حال بیماران و در نتیجه جامعه خواهد شد. معضل دیگری که با آن رویه‌رو هستیم این است که اگرچه ۴۰۰ تشکل در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعال هستند، اما وقتی جلسه‌ای تخصصی درباره خودکشی برگزار می‌شود تنها ۳ نفر در آن حضور می‌یابند. انتظار می‌رود که مجوز این تشکلات تنها با عنوان «آسیب اجتماعی» صادر نشود، بلکه در کنارش عناوینی تخصصی بیایند.



آینده پژوهی و آینده نگاری



حیدر حسین نژاد

خیلی ساده بخواهیم بگوییم، آینده پژوهی یعنی با تحلیل و تجزیه کمی داده های موجود، می شود آینده را شناخت و احتمالات وقوع آن را بیان کرد. آینده نگاری از نگار و ساخت می آید، یعنی آینده را به شکل مطلوب ساخت یا نگاشت. علم روز دنیا که در عصر فناوری و نوآوری بسر میبرد حتی از دانش هم عبور کرده بر ساخت آینده مطلوب و دلخواه خود سخن می گوید و عمل می کند و آن را می سازد.

ما در کجای این تعاریف قرار می گیریم؟

بحران های آب محیط زیست، خشکی تالاب ها، دریاچه و رودها و تغییرات اقلیم و اقتصاد ضعیف، ورشکستگی صندوق های بازنشستگی، کاهش ارزش پول ملی، آسیب های اجتماعی، چالش های حوزه سلامت مانند کمی منابع ورودی نسبت به هزینه ها، عدم استقبال پزشکان از دوره های دستیاری، پایین بودن سطح کیفی و مهارت پزشکان، کشته های ۲۰ هزار نفری تصادفات و ۳۰۰ هزار نفری مجروح و معلولیت ناشی از آن که مانند گودال عظیمی بسیاری از منابع را می بلعد و کسانی را که می توانند مولد برای جمعیت آینده کشور باشند را از دنیا می گیرد، آنوقت ما دنبال بخشنامه و دستورالعمل برای منع غربالگری و وسایل جلوگیری از بارداری هستیم. راه ها اشتباه است. سیاستگذاری ها اشتباه است. ما آینده را نه پیش بینی می کنیم و نه میسازیم. در دنیای مدیریت امروز

دنیا را به خواست مطلوب خود می سازند، اگر غیر از این عمل کنید باختید. این همه بحران در حوزه های مختلف یک شبه بوجود نیامدند، بلکه سیگنال های ضعیف و شدید بسته به سال وقوع را بارها به ما طبیعت و جامعه و آمارها داده بود. ما نخواستیم ببینیم. نه دانشش را داشتیم و نه فهم و درک و خرد. بهترین کار ندیدن آن و پاک کردن صورت مساله بود و هست. اساسا ما ایرانی ها اینطور بار آمدیم. راحت ترین کار پذیرفتن همان هایی است که به ما می گویند. میلی برای اندیشیدن و ایجاد تغییر در توسعه فردی و سازمانی نداریم و نمی خواهیم از دایره امنی که برای خود ساختیم، خارج شویم. زمین زیر پای ما از خشکی آبهای زیرزمینی درحال نشست کردن هست. کشاورز ما دارد می بیند که آب خوردن هم ندارد اما همچنان با توجیهات عجیب، بدنبال کشت برنج و هندوانه و خربزه است، آنهم بدون کوچکترین رعایت مصرف بهینه آب. ما هندوانه و خربزه به ترکیه و کشورهای عربی صادر می کنیم، آنها آب خودشان را به بهترین نحو ذخیره می کنند. کارمندان ما هدفشان فقط دریافت حقوق و مزایا و بیمه شان است. حقیقتا چند درصد کارمندان و کارکنان سازمان های ما خلاقیت و نوآوری دارند؟ چند درصد کارکنان ما هدفشان از کار، کسب توسعه فردی و سازمانی و اساسا رسیدن سازمان به چشم انداز تعیین شده شان است؟ آیا چیزی بنام چشم انداز و استراتژی

و برنامه ریزی استراتژی سازمان های ما دارند؟ از کودکی خلاقیت در ما نابود شده است. این کار را بکن در این مسیر برو. به بچه هایمان فرصت اشتباه کردن ندادیم. فرصت تصمیم گرفتن ندادیم. فرصت نوآوری و خلاقیت ندادیم. آموزش درست نداشتیم. ما از بدیهی ترین چیزها در حال آسیب دیدن هستیم. همه عوامل مخرب عقب ماندگی های سازمانی را می بینیم اما اقدام نمی کنیم. ما قدرت تصمیم گیری نداریم. قدرت و توانایی عمل به تصمیمات مان را نداریم. چرا؟ چون همه ما مدل های ذهنی داریم که فکر می کنیم آن درست است. چطور انتظار بهتر شدن شرایط زیست محیطی کاری اقتصادی اجتماعی را داریم؟ چطور از این پوسته مدل ذهنی خود بیرون بیاییم؟ با خواستن برای تغییر. خواستن چطور بدست می آید؟ با دانستن با دانش با علم با یادگیری با آموزش. با توسعه فردی با درک و فهم و خرد. ما نیازمند کسب مهارت تفکر و رویکرد سیستمی هستیم. توانایی دیدن دنیا از دریچه نگاه دیگران هستیم. نیازمند تعامل با دیگران هستیم و حتی از دریچه نگاه خود کافی نیست. یادمان باشد رسیدن به نتیجه ۹۹ درصدش تلاش است. تلاش تلاش. یک درصدش الهام و خلاقیت است.

متخصص بیهوشی درد و مراقبتهای ویژه
دانشجوی دکترای مدیریت دانشگاه تهران

ظرفیت دریای خزر فرصتی برای رونق گردشگری

جذب این اعتبارات و پیشبرد پروژه ها تلاش کنند.

وحدت و همدلی، رمز موفقیت

امام جمعه گنبدکاووس هم در این نشست با قدردانی از تلاش های نماینده این شهرستان، بر حساسیت مردم نسبت به رفع عقب ماندگی های زیرساختی تأکید کرد. حجت الاسلام محمود ترابی با اشاره به ایام شهادت امام محمد باقر (ع) و ارتحال امام خمینی (ره)، گفت: وحدت و وفای مدیران، پاسخگوی مطالبات مردم است. آخوند عبدالباسط نوریزاد، امام جمعه اهل سنت گنبدکاووس نیز با تأکید بر قانون گذاری، اخلاص و سخت کوشی به عنوان وظایف ذاتی نمایندگان، اظهار کرد: با وحدت، همدلی و تبعیت از منویات رهبر معظم انقلاب، می توان به قله های پیشرفت دست یافت.

گنبدکاووس، شهری در مسیر تحول

سرپرست فرمانداری گنبدکاووس نیز با اشاره به حضور ۱۹ مقام ملی در این شهرستان طی یک سال گذشته، این اقدامات را نتیجه وحدت و هم افزایی دانست. سلیمان هاشمی با بیان اینکه مردم قدردان خدمات مدیران هستند، افزود: وحدت کلمه، رمز پیروزی انقلاب اسلامی و راه توسعه امروز ماست.



رویدادی مبارک برای آشنایی با مسائل منطقه دانست. وی افزود: این سفرها منجر به تخصیص اعتبارات چندین برابری نسبت به سال های گذشته شده که در کنار آن، مدیران استانی و شهرستانی باید برای

شده اند و حصارکشی چهار هزار هکتار از ۱۲ هزار هکتار این منطقه در حال انجام است. نماینده مردم گنبدکاووس در گزارشی از عملکرد یک ساله خود، از سفر ۱۹ مقام ملی به این شهرستان خبر داد و آن را

ظرفیت دریای خزر فرصتی برای رونق گردشگری دبیر مجمع نمایندگان گلستان در مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت بهره برداری از ظرفیت اقتصاد دریا، آن را یکی از نیازهای اساسی برای توسعه همه جانبه استان، به ویژه در بخش گردشگری دانست. به گزارش ایرنا، عبدالحکیم آق ارکاکلی در سومین نشست وحدت برای تحول گنبدکاووس اظهار کرد: گلستان باید مانند گیلان و مازندران از موهبت خدادادی دریا بهره مند شود. هیچ تفاوتی بین شرق و غرب دریای خزر وجود ندارد و مدیران استان باید از ظرفیت های قانونی برای توسعه گردشگری استفاده کنند. وی با اشاره به رتبه برتر گلستان در اجرای قوانین، افزود: مدیران نباید قانون شکن باشند، اما می توانند با انعطاف قانونی، منافع مردم و توسعه استان را در اولویت قرار دهند. آق ارکاکلی با اشاره به ظرفیت های ورزشی گلستان، از والیبال، بسکتبال و سوارکاری به عنوان رشته هایی با پتانسیل حضور در سطح ملی و بین المللی نام برد و خواستار تقویت زیرساخت های این حوزه شد. وی همچنین به پیشرفت های منطقه آزاد تجاری اینچه برون اشاره کرد و گفت: اقدامات زیرساختی این منطقه با سرعت پیش می رود و تاکنون ۸۰ شرکت در آن ثبت

سطح منطقه و کشور تنگ کرده است. مرتضوی خواستار حمایت جدی تر بانک های عامل و دستگاه های اجرایی از این صنعت شد. معاون تأمین اجتماعی گلستان در این نشست از وصول مطالبات این سازمان بر اساس شیوه نامه های ابلاغی خبر داد. روح الله درزی اعلام کرد: برآورد اولیه مطالبات تأمین اجتماعی در گلستان ۱۲ هزار میلیارد تومان بود که تاکنون سه هزار میلیارد تومان آن دریافت شده و مابقی تقسیت شده است. وی در پایان سخنان خود همچنین با تأکید بر آمادگی این سازمان برای برگزاری نشست های تخصصی، قول داد که موانع پیش روی فعالان صنعت ساختمان با جدیت پیگیری شود.

را تحت فشار قرار داده است. رئیس کمیسیون احداث و خدمات فنی مهندسی اتاق بازرگانی گرگان نیز در این نشست به مشکلات عدیده این صنعت اشاره کرد. محمد مرتضوی با تأکید بر ضرورت اجرای دقیق شیوه نامه ها و قوانین، گفت: وصول بیمه کارگران، محاسبه عوارض ساخت بر اساس خروجی شهرداری و افزایش تقسیت عوارض برای انبوه سازان از انتظارات کلیدی فعالان این حوزه است. وی کمبود تسهیلات بانکی را یکی از موانع اصلی پایداری ساخت و ساز در استان دانست و افزود: کاهش تزریق منابع مالی، فعالیت های این صنعت را کمرنگ کرده و افزایش قیمت ها، نفس تولید را در

نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت: برای جلوگیری از اختلال در پایداری تولید، به ویژه در صنعت ساختمان، نیاز به تقویت همکاری بین دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی بیش از پیش احساس می شود. به گزارش روابط عمومی، علی محمد چوپانی در نشست اعضای کمیسیون احداث و خدمات فنی مهندسی اتاق بازرگانی گرگان تأکید کرد: فضای نامساعد کنونی، فعالان اقتصادی را با چالش های جدی مواجه کرده است. وی با انتقاد از نگرش های سیستمی برخی مدیران دستگاه های اقتصادی استان، اظهار کرد: این نگرش ها، نشاط را از فعالیت های اقتصادی گرفته و تولیدکنندگان

ضرورت هم افزایی برای نجات صنعت ساختمان



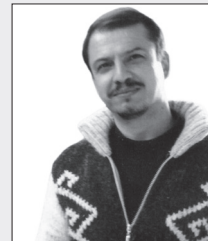
دوچرخه‌ها قشنگ‌اند
دوچرخه‌ها گران‌اند
دوچرخه‌ها همیشه
از آن دیگران‌اند
پدر سرت سلامت
صدات خالی از درد
دوچرخه را دو روزی
کرایه می‌توان کرد
اگر دوچرخه نامی
پر از خیال و رؤیاست
قشنگ‌تر از این نام
نگاه گرم باباست.

مسیر دیگری نیست
برایش اسم چیزی
قشنگ‌تر از این نیست
اگرچه کاش می‌دید
برای ما چنین نیست
همیشه بعد از این نام
-اگر علی ببیند-
میان گفت‌وگوها
سکوت می‌نشیند
پدر که می‌درخشد نگاه مهریانش
گره می‌افتد انگار میان ابروانش
«ببین علی! ... پدر جان!
... چطور می‌شود گفت؟
بدون این دوچرخه
مگر نمی‌شود خفت؟»
پدر گلایه‌هایش
همیشه ناتمام است
و فکر و ذکر او نیز
خیال‌های خام است
چه خوب بود قدری
علی بزرگ‌تر بود
و آشنای چشمش
نجابت پدر بود

به بهانه روز جهانی دوچرخه (سوم ژوئن - ۱۳ خرداد) دوچرخه‌ها گران‌اند شهرام رجب‌زاده

علی -برادر من-
همیشه در خیال است
خیال‌های خامی
که مثل سیب کال است
برادرم کم‌ویش
از اولش همین بود
دلش پی سواری
و اسب آهنین بود
نگین آرویش
دوچرخه است و زینش
دوچرخه‌ای که رام است
نمی‌زند زمینش
سرود روزهایش
رکاب و طوقه و زنگ
شبش و خواب‌هایش
نوارهای شب‌رنگ
خیال می‌کند او
به جز معدل بیست
به‌سوی این دوچرخه

شعر ایران



شهرام رجب‌زاده

او، شاعر، نویسنده، مترجم، منتقد، پژوهشگر، ویراستار و مدرس شعر کودک و نوجوان، متولد سال ۱۳۴۴ در تهران، دانش‌آموخته رشته علوم آزمایشگاهی در دانشگاه علوم پزشکی ایران است که از سال ۱۳۶۴ فعالیت جدی ادبی-هنری خود را با انتشار شعر و داستان در مطبوعات آغاز کرده است. انتشار ۸۵ جلد کتاب (۱۸ تألیف و ۶۷

رونمایی از «من مادر کلماتم» و «برایت شعر می‌بافم» در کردکوی



دو مجموعه شعر صفیه سادات حسینی، شاعر کردکویی، پنجشنبه هفتم خردادماه در این شهر رونمایی شد. «من مادر کلماتم» در ۱۲۰ صفحه در بردارنده ۱۱۲ شعر و «برایت شعر می‌بافم»، حاوی ۱۰۸ شعر کوتاه این بانوی شاعر و معلم بازنشسته کردکویی است که نشر کندوکو آن را در ۵۰۰ نسخه منتشر کرده است. همچنین جلد هر دو کتاب را آمنة (مهسا) ساداتی، نقاشی کرده است. حسینی، در مقدمه «برایت شعر می‌بافم» آورده است: «شعر، رفیق و همدم و مونس بی‌قراری‌ام بوده و همیشه به من جان تازه‌ای داده. شعر را الماس‌هایی می‌بینم که روی سپیدی کاغذ می‌درخشند. کلماتی که از میان بی‌شمار واژگان خود را به من نشان می‌دهند تا به موسیقی عشق، در سطرها، کنار یکدیگر بنشانمشان. ماهی‌گیری هستم که کلمات رنگین صید می‌کند و زنی که با میل و قلاب و نخ‌های نامرئی، سطر، سطر و رج، رج، شعر می‌بافد. باور نمی‌کردم که روزی شعرهایم را چاپ کنم اما حالا به لطف خدا، واژه‌ها دستم را کودکانه می‌گیرند و می‌خواهند برایشان مادری کنم. پس؛ هر روز شعر تازه‌ای می‌نویسم و طعم شیرین عشق و دوستی و آرامش را بیش‌تر از روز قبل می‌چشم.»

چند شعر از این مجموعه را می‌خوانید:
(۱)
صدایم را

به رودهای جهان می‌بخشم
تا پرنده‌ها از صدا نیفتند
تا درخت‌ها تنها نباشند.

(۲)

مثل پیچک
مثل هراز
مثل باند

در دلم، دور گردنم و توی اتاق
غم و خفگی و صدای قدم‌های می‌پیچد.

(۳)

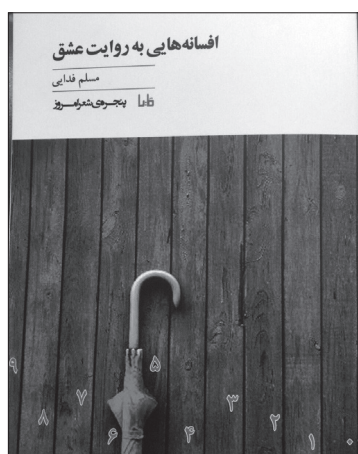
صبح را به شب
و شب‌هایم را به تو
سنتاق می‌کنم.

(۴)

سربه‌ها شده‌ام
نمی‌دانم در کدام ابر بی‌باران
پنهان شده‌ای!

(۵)

من در انتظار تو دانه دانه‌ام
دستی بر آ
مثل اناری مرا بچین



زنهای پوچ و پوچ و مردان واهمه
گل کاشتیم: گوشت و سبزی گذاشتیم
لای کتابهای ورق خورده با قمه
بیغم تر از همیم و کمی کمتر از کمیم
طبلی تهی که پر شده از فرط همه‌همه
در دره ریختیم و هراسان گریختیم
چوپان خوابیده ی دل کنده از رمه

در بر نخواست باشی و دلبر شدی سپس
مصلوب و میخکوب مرا بر در آفرید
انگشت در تو کاشت دلم را در آن گذاشت
بدرنگ و تنگ بود پس انگشت آفرید
ای شرح خوشتراشی ساق جگرخراش
از تکه های مابقی ات مرمر آفرید
آغوش خواستی، به تو یک تکه از بهشت
بخشید یعنی آنکه خدا محشر آفرید
از انحنای کاسه ی زانوی مست تو
قالب گرفت و بعد، از آن ساغر آفرید
خواب از خدا نخواستم و جا نخواستم
از پاره سنگ بالش زیر سر آفرید
آتش نبود، هرم نگاه تو گر گرفت
در من دمید و هیزم خشک و تر آفرید
در باب آفرینش دوزخ، تن مرا
خشت به هم فشرده ی خاکستر آفرید
شیطان شریک خواست، دعا کرد، پس خدا
اول تو را و بعد مرا شاعر آفرید

(۲)

سر برده زیر لاک... همینم ما همه

(۱)

باران نیاز بود، مرا پرپر آفرید
کم بود، عشوهای تو را شُرشر آفرید
کمبود ناز بود، تو را با نیاز من
مخلوط کرد و معجزه ای دیگر آفرید
شنزار بود و منظره چندان صفا نداشت
در صورتیم دو برکه ی نیلوفر آفرید
ابر احتیاج بود دو پلک تر مرا
تکثیر کرد و بر سر هر معبر آفرید
حرف از گلاب شد، گل و لای تو را گرفت
خرد و خمیر کرد و از آن قمصر آفرید
منظورش از پرنده تو بودی از ابتدا
عمدا بدون بال و بدون پر آفرید
بعد از تو طرح دیگری از هر پرنده ریخت
بال و پری گذاشت و کوچکتر آفرید
از هر طرف که رد شدی آواره تر شدم
این ور تو را و بعد مرا آن ور آفرید
تنهاتر و رهاتر و بی دست و پا مرا
حیران سر دو راهی خیر و شر آفرید
در تنگنای پوست خود جا نمی‌شدم
نبض مرا گرفت و تو را دختر آفرید



چند شعر از مجموعه «افسانه‌هایی به روایت عشق»



مسلم فدایی، گنبد کاووس

کوچیده ایم و چند خطی کج کشیده ایم
از کوچه های خاکی و متروک زمزمه
ماری در آستین هم و در کمین هم
گرگی به پوستین هم و دوست با همه
حتی خیال پا شدن از یاد برده ایم
لب تشنه مرده ایم و لجن توی قمقمه
پیچیده ایم در هم و کابوس دیده ایم
دو استخوان ضربدري روی جمجمه

(۳)

تقدیم به تمام پدرها و مادرها:

یک شهر و چند کوچه‌ی متروک و منزوی
چسبیده بیت بیت به هم مثل مثنوی
هر کوچه، چند خانه‌ی تاریک و سر به زیر
دور حیاط گیج و سرآسیمه می‌دوی
آشفته مثل حوصله‌ی تنگ آبشار
سر می‌روی، می‌افتی و سرگیجه می‌روی
تلفیق عشق و پست مدرنیسم و جنون
چیزی درست مثل غزلهای موسوی
می‌خواهی از خودت ببری نردبام نیست
تا ابر را بچینی و هی طعنه نشنوی
از بام چند پله به خورشید مانده است؟
کافی است تندتر بدوی قهرمان شوی
در آسمان صدای قمر نیست!، شمس نیست!
ایرج عزا گرفته و دق کرده مولوی
از حلق خشک روزنه‌ها باد می‌وزد
دودی غلیظ مثل تن مار می‌خزد
دور حیاط گیج و سرآسیمه می‌دود
چون نعش سربریده چه بد راه می‌رود
بر چهره اش گدازه‌ی اخم است و زخم‌ها
غوغایی از جنازه‌ی زخم است و اخم‌ها
انگار مادرش دم در ایستاده است
درد کمر گرفته، به در تکیه داده است
هی مثل سیر و سرکه دلش جوش زد پدر
از بس نشست و وصله به پاپوش زد پدر
این برگ نیست پاره‌ای از دفتر کسی است
این خاک نیست کپه‌ی خاکستر کسی است
از صبح رفته است که هیزم بیاورد
یک کوزه آب و کیسه‌ی گندم بیاورد
زنبل خسته‌ای لب ایوان کپک زده
ته مانده‌های شربت لیوان کپک زده
دور حیاط می‌دود و تند می‌دود
آسیمه سر می‌افتد و سرگیجه می‌رود
سینی به استکان تهی چشم دوخته
نان تکه‌ی زغال شده، سفره سوخته
نخ‌های رنگ باخته دلتنگ قالی‌اش
ترکیده توپ قلقلی خال خالی‌اش
صندوق مثل قبر، دهن باز کرده است
با گریه توپ توپ کفن باز کرده است
قیچی دهن گشوده و خمیازه ریخته
سرگرم کار بوده و خمیازه ریخته
چرخ از کمر شکسته و پوسیده قرقره
سنجاق چکر بسته ته حلق فرفره
یخچال داغ کرده و یخ جیغ می‌کشد
سوزن شکسته و سر نخ جیغ می‌کشد
شب تلخ و چای تلخ و تن چاک چاک تلخ
اوقات ماه تلخ و هوا تلخ و خاک تلخ
آثاری از بخار نفس روی شیشه نیست
این شیشه شیشه نیست شبیه همیشه نیست
آن کاسه‌های روحی و آن آتش گرم کو؟
بر گوش‌ها نوازش دستان نرم کو؟
کو؟ پس کجاست؟ آن در و همسایه‌ی قدیم
همصحب صمیمی ام آن دایه‌ی قدیم؟
گنجشک‌کان خوش بر و، روبرویشان
کو چشمه‌ای زلال تر از آبرویشان؟
کو آن درختها؟ چه شد آن بند رختها؟
گنجشک‌کان عروس کسان بر درختها
لبخند دختران دم بخت، کو؟ چه شد؟
کی گفته است خرد و خمیر و کلوچه شد؟
کو؟ پس کجاست کوچه؟ ... ولی رسمش این نبود!
کو کوچه؟ کو کلوچه؟ ... ولی رسمش این نبود!

زنبل خسته‌ای لب ایوان کپک زده
بر حوض، خون ماهی قرمز شکت زده
در باز و چند گریه به دنبال کاموا
چنگی به بسته‌های سفید نمک زده
اندام پارچ‌ها متلاشی شبیه قارچ
ته مانده‌های شربت لیوان کپک زده
تنگ بلور، حوصله‌اش آب رفته است
طفלק دلش برای شب عید لک زده
دور حیاط می‌دود و جیغ می‌کشد
همسایه باز کودک خود را کتک زده
انگار ناخنک به غذای سر اجاق
یا چند لقمه از سمنوی خنک زده
یک لحظه فکر می‌کند از روی پشت بام
نوروز پا گذاشته است و کلک زده
می‌خواهد از خودش ببرد نردبام نیست
بر سفره ترشی و تره و ظرف شام نیست
زین دوچرخه زنگ زده، زنگ سوخته
سینی به استکان تهی چشم دوخته
سقف اتاق، مغز سرش جابجا شده
پاها و کفش‌ها دم در تا به تا شده
رف استخوانش از تب رفتن گداخته
دیوار مثل پارچه‌ای نخ نما شده
موی سفید یک به یک از غصه سوخته
چون پنبه رشته رشته در آتش رها شده
از بس که گریه‌ها پس و پیش کشیده اند
پیراهنش کلاف نخ کاموا شده
من دیر کرده‌ام نگران ایستاده است
دلواپس من از وسط قبر پا شده
درد کمر گرفته، به در تکیه داده است
من دیر کرده‌ام، دم در ایستاده است
دیر آمدی پسر! دلم از غصه آب شد
دنیا نه، خانه روی سر من خراب شد
حال و هوای جای و نبات قدیم نیست
بر تخت چوبی آن گپ و گفت و گلیم نیست
قندان کج ایستاده و تا نیمه ریخته
بر تار و پود سینی از هم گسیخته
مشتی پنیر شد جسد کله قندها
یخ بست و سنگ شد علف گوسفندها
در باز و سطل نیمه پر رنگ سوخته
زین دوچرخه زنگ زده، زنگ سوخته
از بس له و لورده و خرد و خمیر شد
آن سیم پره‌ها فلج و گوشه گیر شد
حرفی بزن جنازه‌ی همبازی ات کجاست؟...
کو عکس یادگاری سربازی ات؟ کجاست؟...
از حلق خشک روزنه‌ها باد می‌وزد
دودی غلیظ مثل تن مار می‌خزد

(۴)

پیش رو تعظیمشان کردیم و طی شد سالها
پشت سر شکلک درآوردند این تمثالها
جوبها بوی لجن در جیبها مان ریختند
جای گندم جو به ما دادند این بقالها
دلبرکهای دروغین، شاد و غمگین در کمین
سفره‌ها آلوده شد از سرفه‌ی چنگالها
لقمه نانی زیر دندان، ملح دیوان و ددان
کاش از لبها فرو می‌ریخت روزی خالها
رهنوردان سرخپوش و کوله پشتی‌ها به دوش
دل به دریا می‌زدند و می‌پزند از چالها
یک به یک، جان مثل اسپندی بر آتش می‌نهند
می‌جهند و می‌رهند از حجره‌ی دلالتها
رهزنان در عیش و نوش و تیغهاشان در خروش
از رسیدن باز می‌دارندمان این کالها
می‌خرند و می‌درند و می‌برند و می‌چرند
پاره‌های پیکر مجروح ما را سالها
بوق و کرنای کلاخان باغ را بیغوله کرد
جارچی‌ها کیسه می‌دوزند از جنجالها
دور خود ببهوده گشت و گل گرفتند و گذشت
روزی هم بود اگر بر دامن غربالها
بخت ما را بین عرقها ریختیم و عاقبت
از کف ما سکه می‌دزدند این رمالها
زرق و برق کافه شد قول و قرار کوفه شد
آخ‌الامر تمام قیلها و قالها

صبحگاهی بی سرود و صورتی سرد و کبود
حلقه‌های دار شد بر گردن ما شالها
زندگی لبخند کوتاهی و آهی بیش نیست
مرده در گهواره می‌شویند غسالها

(۵)

ابرو: برش نازک یک تاک خمیده
خوشمزه تر از خوشه‌ی انگور رسیده
شانه: افق مرمی صبح زمستان
یا مادری از داغ جوان گیس بریده
گیسو: گسل زلزله بر مرمر شانه
یا گله‌ی ماری که بر الماس خزیده
گونه: به و به چه بهی و چه بهاری
به، بهتر از این دیده کسی یا که شنیده؟
بینی: پل مابین دو باغ به و از دور
دو کوچه‌ی تاریک به بن بست رسیده
چشم: آتش آتشکده‌هایی که در آنها
در رقص و سماعند پری‌های عذیده
پلک: آشتی دزدکی سایه و روشن
آتش بس تاریخی یلدا و سپیده
مژگان: نخ‌ای از نور کف دخترکی کور
تاییده ولی خوب به سوزن نکشیده
لب: قرمز افروخته در سبزی نوروز
دلچسب تر از لاله‌ی بر کوه دمیده
دندان: گل یاسی وسط دشت شقایق
شعری که به نقاشی سهراب وزیده
گوش: از غزل آکنده و دل از همه کنده
برگی نوک تندیس یک آهوی رمیده
سینه: صدف ریخته بر ساحلی از عاج
بی تاب تر از ماهی از آب پریده
انگشت: رد روشن یک چشمه که در آن
پا روی هم انداخته خورشید و لمیده
ناخن: ورزش نقره بر انگشت بلورین
بر آب روان قطره‌ای از ماه چکیده
پا: ساقه‌ی ابریشمی و تازه عروسان
از حسرت و حیرت همه انگشت گزیده
دست: ابر سپیدی است زراندد و گل افشان
از کوری این مردم اعجاز ندیده
سر: میوه‌ی ممنوعه و دیری است که دیگر
دستی نتوانسته و از شاخه نچیده
دل: باغچه‌ای دنج که با ریشه‌ی نارنج
در پیله‌ی تنهایی خود میله تنیده
تن: معبد آیینه پرستان سحرخیز
گلدسته برافراشته زایر طلبیده *

زن: لفظ حقیری است سر افکنده فقیری است
دنبالش از این کوچه به آن کوچه دویده
بی او پکر و کور و کر و لال و مکدر
چرکین و چروکیده و فرتوت و تکیده
با او همه پاکیزه و ترد و تر و تازه
از قند و نمک مژه به اندازه چشیده
بی او همه لب تشنه و با او همه سیراب
عطر خوش عناب از آن سینه مکیده
از موی و میان نیست فقط زینت این زن
آنی است که حافظ بجز آن برنگزیده *

* اشاره‌ای است به این بیت معروف حافظ:

شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد

بنده‌ی طلعت آن باش که آنی دارد... حافظ

تابوت غروب



صفیه صابری، کردکوی

رفتار دلتنگی‌ام
شبیه
تابوت غروبی است
که روز
آن را
پشت کوه‌ها
پنهان می‌کند
و دوباره
فردا
با لذتی فراتر از خنده‌ی آفتاب
خود را به سینه‌ی صبح
می‌چسباند...
اینجا غمی شیرین
که فرصت گریه را از من می‌گیرد
و در حصار دلپذیر بوسه‌های زخمی
مرا اسیر می‌کند
پلک‌هایم سنگین است
افسوس
بوی چشمانت
خوابم را آشفته کرد
پشت بوسه‌هایت
پنهان بودم
که صبح شد
و دلتنگی‌ام
دوباره
در خیال هرز روز
قد می‌کشد.

می‌خواهم از آغوش زیبای تو بنویسم



گلی دیلم کتولی، علی‌آباد کتول

تا در دهان شعر من کافور می‌ریزند
بر دفتر من بی هدف هاشور می‌ریزند
چشمم بروی هرچه احساس است می‌بندم
تا در شرابم مزه‌ی ناجور می‌ریزند
می‌خواهم از آغوش زیبای تو بنویسم
برزخم ناسور دلم تئور می‌ریزند
جام می‌و پیک شرابم، هر دوخالی ماند
در کام من صدجرعه‌ی مخمور می‌ریزند
انقدر در کار دلم ماندم که انگاری
برخنجرم داری چنان منصور می‌ریزند
آغوش واکن خسته‌ام از نهی این منکر
گویی به کامم باعسل زنبور می‌ریزند
دیوانه‌ام مستم شبیه هیچکس هرگز
تا در دهان تشنه‌ام انگور می‌ریزند
مُردم ز بس گفتند این خوب است اینها بد
بر شعر شیرین من اشک شور می‌ریزند
باید بسازم زندگانی را به رسم خویش
هرچند در شعرم، گناه از دور می‌ریزند
برمن ببخش ای دوست می‌دانم گنه‌کارم
فردا که مُردم روی گورم نور می‌ریزند



رشد چشمگیر روابط ایران و ترکمنستان؛

فرصت‌های تجاری نو در راه است



مثل سرخس وجود دارد. وی همچنین از آمادگی شرکت‌های ایرانی برای اجرای پروژه‌های بزرگ مانند احداث جاده مرزی خبر داد و افزود: شرکت ایرانی حاضر است بدون دریافت پیش‌پرداخت، مطالعات اولیه را آغاز کند و امیدواریم تا پیش از سفر رئیس جمهور ایران به ترکمنستان در بهمن ماه، قراردادهای مرتبط نهایی شود. سفیر ایران در ترکمنستان در ادامه به ضرورت حضور فعال‌تر بخش خصوصی استان گلستان در بازارهای ترکمنستان تأکید کرد و با اشاره به برگزاری نمایشگاه اگر روفود در عشق‌آباد، ابراز تأسف کرد که ظرفیت‌های بالای استان نتوانست به خوبی معرفی شود و خواستار افزایش جدیت بخش خصوصی در این زمینه شد. وی در مورد تسهیل صدور ویزا برای تجار و فعالان اقتصادی گفت: سفارت ایران در ترکمنستان بدون محدودیت و با سرعت، روادید صادر می‌کند تا موانع حضور تجاری کاهش یابد. روزبهرانی درباره روند اعزام کارکنان وزارت امور خارجه به خارج از کشور گفت: این فرایند کاملاً تخصصی و مبتنی بر آزمون است و هیچ‌گونه تبعیض قومیتی در آن وجود ندارد. سفیر ایران با تأکید بر همراهی کامل خود با استان گلستان و متعهد بودن به توسعه هرچه بیشتر مناسبات دو کشور، گفت: ما در ترکمنستان آماده‌ایم در کنار شما، روابط را به سطحی فراتر ارتقا دهیم.

تردد مسافری از سوی دو طرف در دست پیگیری است و امید است با تکمیل زیرساخت‌های لازم، این تردد به زودی از سر گرفته شود. روزبهرانی درباره بازارچه‌ها و مناطق آزاد مرزی نیز گفت: مذاکرات برای ایجاد مناطق آزاد مشترک در مرز دو کشور به خوبی پیش می‌رود و استان گلستان به عنوان یکی از گزینه‌های جدی مطرح است، هرچند رقیبی قدرتمند

مهم‌ترین چالش در روابط تجاری را مشکلات بانکی دانست و گفت: تحریم‌های ناجوانمردانه آمریکا مانع اصلی تبادل مالی بین ایران و ترکمنستان است که با روش‌های تهاثر گاز، برق و خدمات فنی مهندسی سعی در رفع آن داریم و مذاکرات در این زمینه به مراحل خوبی رسیده است. وی همچنین به بحث تردد مسافری میان دو کشور اشاره کرد و افزود: مسئله

سفیر ایران در ترکمنستان، با تأکید بر پیشرفت روابط دو کشور، از روند رو به رشد تجارت و ایجاد فرصت‌های جدید پس از تکمیل زیرساخت‌ها و رفع موانع بانکی خبر داد. به گزارش مهر، علی مجتبی روزبهرانی در نشست تجارت ایران با ترکمنستان با ابراز رضایت از روند مثبت روابط دوجانبه، اظهار کرد: روابط ایران و ترکمنستان فقط در حوزه اقتصادی و تجاری نیست بلکه در بخش‌های سیاسی و فرهنگی نیز در سطح بسیار عالی جریان دارد. وی افزود: اگرچه حجم مبادلات تجاری و اقتصادی پاسخگوی انتظارات ما نیست، اما روند رو به رشد و امیدوارکننده است. روزبهرانی در ادامه با قدردانی ویژه از همکاری‌های نمایندگان وزارت امور خارجه و فعالان اقتصادی، به نقش استان گلستان به عنوان نقطه محوری در توسعه مناسبات اقتصادی بین دو کشور اشاره کرد و گفت: در طول دوران مأموریت خود در ترکمنستان، نام استان گلستان به صورت پررنگ‌تری در روابط دو کشور ظاهر شده است. وی به سفر موفق استاندار بالکان ترکمنستان به گلستان و برگزاری اولین نمایشگاه اختصاصی ترکمنستان در گرگان اشاره و بیان کرد: نمایشگاه گرگان که با حضور مقامات ترکمنستانی برگزار شد، با استقبال خوب و تحسین طرف ترکمن همراه بود و موجب ارتقای وجهه ایران در این کشور شد. سفیر ایران

اتحادیه صنایع دستی حلقه اتصال هنرمندان بازار و سیاست‌گذاران



به بازارهای ملی و حتی بین‌المللی هستند. فعالی در ادامه، افزایش توان اجرایی اتحادیه را یک نیاز مهم دانست و گفت: اتحادیه باید به حلی از استقلال و کارآمدی برسد که بتواند

عملی برای تقویت بازار صنایع دستی ارائه دهد. وی بر لزوم طراحی بسته‌بندی‌های خلاقانه و برندسازی حرفه‌ای تأکید کرد و افزود: این دو، کلید ورود موفق صنایع دستی گلستان

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان با تأکید بر نقش کلیدی اتحادیه تعاونی‌های صنایع دستی، این نهاد را حلقه‌ای حیاتی در تکمیل زنجیره بازار صنایع دستی استان دانست. به گزارش روابط عمومی، فریدون فعالی در پی برگزاری نشست مشترک با اعضای اتحادیه تعاونی‌های صنایع دستی استان اظهار کرد: اتحادیه صنایع دستی باید به یک نهاد محوری در اتصال هنرمندان، بازار و سیاست‌گذاران بدل شود؛ نه‌ای که بتواند با برنامه‌ریزی دقیق و حضور فعال در عرصه‌های مختلف، عقب‌ماندگی‌های موجود در بازاریابی و فروش محصولات صنایع دستی را جبران کند. وی با اشاره به وظایف سنگین این اتحادیه در قبال بیش از ۴۰ هزار هنرمند صنایع دستی استان، گفت: این مجموعه می‌تواند نقشی اساسی در ارتقای سطح حرفه‌ای، اقتصادی و اجتماعی هنرمندان ایفا کند؛ البته به شرط آنکه با نگاهی منسجم و رویکردی توسعه محور وارد عمل شود. مدیرکل میراث فرهنگی گلستان با انتقاد از وضعیت فعلی فروش و تبلیغ صنایع دستی استان گفت: استان گلستان در حوزه بازاریابی، برندسازی و بسته‌بندی، از جایگاه واقعی خود فاصله دارد. برای جبران این عقب‌ماندگی، اتحادیه باید نقش فعالی ایفا کند و در کنار دستگاه‌های اجرایی، راهکارهایی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۰۰۱۳۴۸۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۱ تقاضای آقای ابوالشیرازی به شماره شناسنامه ۱۳ و کد ملی ۲۱۲۳۴۱۹۱۴۸ صادره از گرگان فرزند محمدتقی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بانضمام پنج دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه که مابقی آن وقف است بمساحت ۷۸۶۰۶ مترمربع از پلاک شماره ۱۱۸ - اصلی واقع در اراضی سعدآباد بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی که بعد از ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ جواد پورمند - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - شناسه آگهی ۱۹۴۰۵۸۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۰۰۱۳۴۸۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۱ تقاضای آقای سیدحمید شاهدهی به شماره شناسنامه ۱۳ و کد ملی ۲۱۲۳۴۱۹۱۴۸ صادره از گرگان فرزند مرتضی در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است بمساحت ۳۷ مترمربع از پلاک شماره ۲۹ اصلی واقع در اراضی قریه سرکلاشه کشمیری بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی که بعد از ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳ جواد پورمند - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان - از طرف غلامرضا قاسمی - شناسه آگهی ۱۹۳۱۷۰۶

«آگهی ثبتی»

گلشمنهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

عید قربان در گلستان؛

آیین‌های شکوهمند نوادگان رستم

برگزاری مراسم ازدواج است. به باور این قوم، آغاز زندگی مشترک در این روز فرخنده، خوش‌یمن و پربرکت است. به همین سبب، در مناطق سیستانی‌نشین گلستان، گاه چندین مراسم عروسی به‌صورت همزمان در یک روستا برگزار می‌شود. این رسم، ریشه در فرهنگ چند هزار ساله سیستانی‌ها دارد و نشان‌دهنده اهمیت عید قربان در باورهای دینی و فرهنگی آنهاست. عید قربان برای سیستانی‌ها، روز آشتی و پیوند است. به گفته آذری، در این روز بازار حلالیت‌طلبی و گذشت‌داغ‌تر از همیشه است. بسیاری از افراد به همراه ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه، به دیدار کسانی می‌روند که کدورتی با آنها داشته‌اند تا با وساطت عید، دل‌ها را به هم نزدیک کنند و کینه‌ها را از میان بردارند. این رسم، جلوه‌ای از روح بزرگ‌منشی و مهربانی سیستانی‌هاست. آذری تأکید می‌کند که عید قربان برای سیستانی‌ها تنها یک مناسبت مذهبی نیست، بلکه فرصتی است برای بازآفرینی روح برادری، مهربانی و وفاداری. این عید، زمانی برای رهایی از تعلقات دنیوی و گام نهادن در مسیر قرب الهی است. اگرچه برخی آیین‌های عید قربان با گذر زمان تغییر کرده‌اند، اما روح والاّی نهفته در آن همچنان پابرجاست. عید قربان، عید انسانی است که از خاکستر خویشن برمی‌خیزد و با احیای جان‌ها و پیوندهای انسانی، معنا می‌یابد. استان گلستان، با جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون نفر از اقوام و مذاهب گوناگون، نمونه‌ای درخشان از وحدت و همزیستی است. عید قربان در این سرزمین، با آداب و رسوم سیستانی‌ها، به جشنی از ایمان، فرهنگ و همدلی تبدیل می‌شود که گویی گوهری گران‌بها از دل تاریخ به نسل‌های آینده منتقل می‌گردد.



روحیه تعاون و نوع‌دوستی، از بارزترین ویژگی‌های فرهنگی سیستانی‌هاست که در عید قربان به اوج خود می‌رسد.

دید و بازدید، تار و پود پیوندهای اجتماعی

دید و بازدیدهای عید قربان، یکی دیگر از جلوه‌های زیبای فرهنگ سیستانی است. سیستانی‌ها با آراستن «اتاق میهمان» یا «عید گشتنی»، با سفره‌هایی پر از شیرینی، میوه و آجیل، آماده پذیرایی از اقوام و دوستان می‌شوند. کودکان با لباس‌های نو، شادمانه در کوچه‌ها و خانه‌ها می‌گردند، پیران با عطر عود و اسپند به استقبال

در سرزمین گلستان، عید سعید قربان با آداب و رسوم ریشه‌دار قوم سیستانی به جشنی از ایمان، همدلی و فرهنگ بدل می‌شود. از قربانی و دید و بازدید تا پخت کلوچه‌های سنتی و رفع کدورت‌ها، سیستانی‌های گلستان این عید بندگی را با شکوهی بی‌نظیر پاس می‌دارند. به گزارش ایرنا، عید قربان برای سیستانی‌ها فراتر از یک مناسبت دینی است؛ این عید، صحنه‌ای است برای درخشش فرهنگ داد و دهش، ایثار، مهمان‌نوازی و احترام به بزرگان. سیستانی‌ها با تکیه بر هویت ریشه‌دار خود، این روز را به فرصتی برای تقویت همدلی و مشارکت تبدیل می‌کنند. حتی در تنگناهای مالی، روح سخاوت و همبستگی در میان این قوم زنده می‌ماند و عید قربان را به جشنی از پیوندهای عاطفی و اجتماعی بدل می‌سازد. روزها پیش از فرا رسیدن عید، سیستانی‌های گلستان با شوق و اشتیاق آماده استقبال از این روز مبارک می‌شوند. از خرید لباس نو برای کودکان و اعضای خانواده گرفته تا تهیه شیرینی، میوه، آجیل و پخت نان‌ها و کلوچه‌های سنتی، خانه‌تکانی و آراستن منزل برای پذیرایی از مهمانان، همه و همه بخشی از مقدمات این جشن بزرگ است. محمد آذری از محققان فرهنگ عامه و مدیر بنیاد نیمروز گفت: قربانی کردن، یکی از مهم‌ترین آیین‌های عید قربان در فرهنگ سیستانی است. به گفته وی، سیستانی‌ها با ایمانی عمیق و اعتقادی راسخ، گوسفندان را با نام خدا ذبح و گوشت آن را با نیازمندان تقسیم می‌کنند. این رسم نه تنها از منظر دینی، بلکه از دیدگاه انسانی و اجتماعی نیز ارزشی والا دارد. مدیر بنیاد نیمروز ادامه داد: حتی خانواده‌هایی با توان مالی اندک، با همیاری و مشارکت، گوسفندی تهیه کرده و گوشت آن را در میان محرومان توزیع می‌کنند. این

هشدار جمعیتی در گلستان؛

نرخ باروری به زیر خط جایگزینی رسید



مدیرکل امور زنان و خانواده استانداری گلستان گفت: نرخ باروری در این استان به ۱.۸ فرزند به ازای هر مادر در سن باروری کاهش یافته، در حالی که برای حفظ تعادل جمعیتی، این نرخ باید به ۲.۵ برسد و این آمار، زنگ خطری برای آینده جمعیتی این منطقه است. به گزارش ایرنا، سیده‌زهره حسینی‌جیلی اظهار کرد: برخی شهرستان‌های استان که پیش‌تر از نظر فرزندآوری شرایط مطلوبی داشتند، اکنون با کاهش چشمگیر مواجه شده‌اند. وی عوامل متعددی از جمله افزایش تجرد قطعی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، طلاق، ناباروری و سبک زندگی نامناسب را از دلایل اصلی این روند نزولی دانست. مدیرکل امور زنان و خانواده استانداری گلستان ادامه داد: برای مقابله با این چالش، سیاست‌های تشویقی متعددی در گلستان در حال اجراست. از جمله این اقدامات می‌توان به دورکاری، مرخصی زایمان، ساعت شیردهی، ایجاد مهدکودک و پرداخت هزینه‌های آن برای مادران شاغل اشاره کرد. حسینی‌جیلی هشدار داد: در صورت عدم رعایت این حمایت‌ها، مدیران متخلف با برخورد قانونی مواجه خواهند شد. همچنین، نقل و انتقال مادران باردار یا دارای فرزند خردسال در دستگاه‌های اجرایی الزامی است و تخطی از آن با واکنش جدی همراه خواهد بود. وی گفت: یکی از اقدامات حمایتی مهم، پوشش بیمه‌ای مادران فاقد بیمه از ابتدای بارداری تا پایان دوره شیردهی و ارائه بیمه سلامت برای کودکان

تا پنج سالگی است. علاوه بر این، برای رفع مشکلات مالی زوج‌های نابارور، برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه ویژه مادران در دستور کار قرار گرفته است. مدیرکل امور زنان و خانواده استانداری گلستان بیان کرد: مراکز درمان ناباروری دولتی تا ۹۰ درصد هزینه‌ها را پوشش می‌دهند اما برخی زوج‌ها به دلیل موانع اقتصادی به مراکز غیردولتی مراجعه می‌کنند که هزینه‌های بیشتری دارد. حسینی‌جیلی با اشاره به گسترش مراکز مشاوره نفس برای پیشگیری از سقط جنین، از شناسایی مراکز غیرقانونی

سقط جنین و برخورد با توزیع‌کنندگان داروهای غیرمجاز توسط نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی خبر داد و گفت: این اقدامات در راستای فرهنگ‌سازی و حمایت از افزایش جمعیت انجام می‌شود. مدیرکل امور زنان و خانواده استانداری گلستان تأکید کرد: ادامه روند کنونی کاهش جمعیت می‌تواند تبعات اجتماعی گسترده‌ای به دنبال داشته باشد و هماهنگی بین نهادهای اجرایی و حمایتی برای اجرای سیاست‌های جمعیتی، ضرورتی غیرقابل‌انکار است تا این استان بتواند از بحران جمعیتی عبور کند.



خبر

پیشرفت فاز نخست پروژه ۸۴ واحدی نهضت ملی مسکن



مدیرکل بنیاد مسکن گلستان از پیشرفت ۴۰ درصدی فاز اول پروژه ۸۴ واحدی طرح نهضت ملی مسکن در شهر گمیشان خبر داد. به گزارش مهر، داود خسروی اظهار کرد: پروژه نهضت ملی مسکن در شهر گمیشان تحت عنوان پروژه صدف، در دو فاز در حال اجراست که فاز نخست آن شامل ۵۰ واحد تاکنون به پیشرفت فیزیکی ۴۰ درصدی رسیده است. وی ادامه داد: فاز دوم این پروژه نیز شامل ۳۴ واحد مسکونی است که اکنون ۱۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. مدیرکل بنیاد مسکن گلستان با اشاره به مشخصات پروژه افزود: این واحدها در زمینی به مساحت ۶۵ هکتار و در قطعات ۲۰۰ متری با زیربنای ۸۰ مترمربع و به صورت ویلایی حیاط دار در حال احداث است. خسروی گفت: اجرای این پروژه با هدف تأمین مسکن مناسب برای متقاضیان واجد شرایط در حال انجام است و بنیاد مسکن استان به صورت جلی روند پیشرفت کار را پیگیری می‌کند.

فرصت‌های بومی در حسرت توجه؛

چرا سرمایه‌ها از گلستان فرار می‌کنند؟

انجام شده است. باید به فکر ۲۰ سال آینده باشیم، چرا که منابع آب زیرزمینی با کاهش جدی مواجه خواهند شد. وی از پروژه شیرین‌سازی آب دریای خزر به عنوان راهکاری کلیدی برای تأمین آب آشامیدنی پایدار در کردکوی و گمیشان خبر داد و گفت: مجوزهای لازم برای این پروژه اخذ شده و با همکاری سرمایه‌گذاران، اجرای آن طی سه تا چهار ماه آینده انجام خواهد شد. ابری همچنین به ضرورت اصلاح شبکه‌های فرسوده انتقال آب اشاره کرد و افزود: لوله‌های آریست‌دار شبکه توزیع باید تعویض شوند. با همکاری شرکت آب و فاضلاب، این پروژه در حال پیگیری است و امیدواریم به زودی عملیاتی شود.

حل چالش اراضی اوقاف؛ گامی به سوی توسعه پایدار

نماینده غرب گلستان در مجلس به پیگیری‌های چهارساله خود در موضوع زمین‌های اوقافی کردکوی اشاره کرد و گفت: در ابتدای کار، با ارسال نامه‌ای به رئیس وقت قوه قضاییه و با همکاری وکلای منطقه، موفق به دریافت پاسخ مثبت از دادستان وقت شدیم. وی افزود: پس از جلسات متعدد، توافق‌نامه‌ای برای واگذاری ۱۳۱ هکتار زمین به اداره اوقاف امضا شد تا زمین‌ها وقفی از محدوده شهری خارج شوند. ابری به چالش‌های اخیر در این مسیر اشاره کرد و گفت: به دلیل استعلام یک مرجع، این توافق‌نامه مورد پذیرش قرار نگرفت اما با پیشنهاد جدید اداره اوقاف و همکاری راه و شهرسازی، در حال مکان‌یابی برای ایجاد شهرک‌های جدید هستیم تا این اراضی به بهترین شکل مورد استفاده قرار گیرند. وی ابراز امیدواری کرد که این مسئله به زودی حل شود و نتایج ملموسی برای مردم منطقه به همراه داشته باشد. ابری با اشاره به پروژه‌های جاده‌ای در منطقه، از پیشرفت‌های اخیر در جاده قدیم گرگان-کردکوی خبر داد و گفت: این جاده ۲۵ کیلومتری در هشت نقطه پرخطر شناسایی شده و رفع خطر در این نقاط در حال انجام است. نماینده غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: مجوزهای لازم برای بهسازی مسیرهای یک‌کیلومتری بین روستاها، از جمله میان‌دره، اخذ شده و پیمانکار این پروژه به زودی انتخاب خواهد شد. ابری به پروژه تله‌کابین در شهرهای کوهپایه‌ای مانند گرگان، علی‌آباد و کردکوی اشاره کرد و گفت: این پروژه سال‌هاست در دست پیگیری است و می‌تواند به توسعه گردشگری و ایجاد درآمد پایدار برای منطقه کمک کند. از شورای شهر و شهرداری‌ها می‌خواهیم مطالعات این پروژه را تسریع کنند تا به مرحله اجرا برسد. وی با اشاره به ظرفیت بالای سایت‌های پروازی منطقه برای جذب سرمایه‌گذاری، افزود: این پروژه‌ها از نظر اقتصادی توجیه‌پذیری بالایی دارند. از سرمایه‌گذاران دعوت می‌کنم تا با مشارکت در این طرح‌ها، به توسعه منطقه کمک کنند. نماینده غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر لزوم اجماع شهرستانی و استانی برای پیشبرد پروژه‌ها، گفت: به همکاری همه‌جانبه نیاز داریم. قول می‌دهم که با رایزنی‌های انجام‌شده با مقامات استانی، از جمله استاندار محترم، جمع‌بندی نهایی پروژه‌ها را ارائه دهیم. وی از مردم و فعالان منطقه خواست تا با مطالبه‌گری و مشارکت فعال، در مسیر توسعه پایدار غرب گلستان همراهی کنند.



در راستای توسعه زیرساختی، سازمان فرودگاه‌ها سرمایه‌گذاری از تهران معرفی کرده که آمادگی مشارکت در پروژه‌های استانی را دارد که در این خصوص پیشنهاد راه‌اندازی پروژه‌ای در گنبد کاووس با حمایت فرمانداری و گروه‌های اجتماعی مطرح شده و اعتبار لازم برای آن تخصیص یافته است

سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان ادامه داد: در راستای توسعه زیرساختی، سازمان فرودگاه‌ها سرمایه‌گذاری از تهران معرفی کرده که آمادگی مشارکت در پروژه‌های استانی را دارد که در این خصوص، پیشنهاد راه‌اندازی پروژه‌ای در گنبد کاووس با حمایت فرمانداری و گروه‌های اجتماعی مطرح شده و اعتبار لازم برای آن تخصیص یافته است. حمیدی گفت: در حوزه ورزش، دغدغه‌های یکی از بانوان فعال رشته تکواندو کردکوی مورد توجه قرار گرفته و بازنگری در نحوه واگذاری سالن‌های ورزشی در دستور کار قرار دارد. وی افزود: به دلیل استفاده ناکارآمد از این سالن‌ها و برخی مشکلات، پیشنهاد شده مدیریت آنها به هیات‌های تخصصی واگذار شود تا بهره‌وری افزایش یابد. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان ادامه داد: در بخش ورزشی دیگر، تیم فوتبال آسمان با چالش‌های مالی مواجه است که در نشست با حضور فرماندار و سرمایه‌گذاران، مبلغی برای حمایت مالی این تیم مصوب شد اما با توجه به محدودیت‌های موجود، جذب حمایت‌های استانی و ملی برای پیشبرد این پروژه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

عزم جدی برای رفع مشکلات زیرساختی و توسعه منطقه

نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی هم در این نشست با تشریح تلاش‌های خود برای رفع مشکلات زیرساختی منطقه، از برنامه‌های کلان برای تأمین آب آشامیدنی، توسعه زیرساخت‌های شهری و حل چالش‌های اراضی سخن گفت. عبدالجلال ابری به بحران آب آشامیدنی در منطقه اشاره کرد و گفت: در سطح کلان کشور با چالش آب مواجه هستیم، اما در غرب گلستان آینده‌نگری‌هایی

نمایندگان، فرمانداران و شوراهای شهر در حال پیگیری است و نیازمند مطالبه‌گری شما مردم عزیز است.

دعوت به مطالبه‌گری و همبستگی

طهماسبی با تأکید بر لزوم مطالبه‌گری مردم، به‌ویژه مرزنشینان، گفت: بیش از ۷۰ روستای ما از آب آشامیدنی لوله کشی محروم هستند این حق مردم مظلوم مرزنشین نیست که ما به عنوان خدمتگزاران شما وظیفه داریم به داد این مردم برسیم. وی در پایان با اشاره به ایام ارتحال حضرت امام خمینی (ره) و زعامت مقام معظم رهبری، از مردم خواست تا با وحدت و همدلی، در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی گام بردارند.

توسعه فعالیت‌های سیاسی گلستان با محوریت مشارکت اجتماعی

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان هم در این نشست گفت: فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در این استان با حضور فعال احزاب و گروه‌های مختلف، روندی رو به رشد را تجربه می‌کند. محمد حمیدی اظهار کرد: در حال حاضر ۶ حزب دارای نمایندگی رسمی در گلستان فعالیت دارند که شامل هشت حزب اصلاح‌طلب، یک حزب مستقل و یک حزب استانی است؛ همچنین، از مجموع ۳۴۹ حزب فعال در سطح شهرستان‌های استان، چهار حزب اصلاح‌طلب، چهار حزب اصولگرا و یک حزب مستقل حضور دارند. وی بیان کرد: استاندار گلستان با تمرکز بر تقویت تعاملات اجتماعی و سیاسی، جلسات متعددی با فعالان سیاسی، ستادهای انتخاباتی دکتر پزشکیان، نخبگان و نمایندگان بخش‌های مختلف برگزار کرده است. معاون

استاندار گلستان با ابراز تأسف از کمبود توجه مالی سرمایه‌گذاران بومی به استان، گفت: بسیاری از فعالان اقتصادی گلستان، منابع خود را در استان‌های دیگر به کار می‌گیرند؛ برای نمونه، بیش از ۱۲۰۰ خانوار گلستانی در مازندران مشغول فعالیت اقتصادی هستند. به گزارش ایرنا، علی‌اصغر طهماسبی در نشست با فعالان سیاسی، اجتماعی و ورزشی شهرستان کردکوی خواستار تمرکز بر ظرفیت‌های منحصربه‌فرد گلستان، مانند جنگل‌های هیرکانی، دشت‌های حاصلخیز و منطقه آزاد، برای توسعه استان شد. وی با اشاره به بازدید چند روز قبل خود از یک پروژه جنگلی در مازندران، اظهار کرد: منطقه‌ای ۱۱۰ هکتاری در این استان به بخش خصوصی واگذار شده و نتایج چشمگیری داشته اما جنگل گلستان صد برابر زیباتر و غنی‌تر است پس چرا نباید از این ظرفیت‌ها بهره ببریم؟ استاندار گلستان با انتقاد از برخی سرمایه‌گذاران که به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل نمی‌کنند، مثال‌هایی از دیگر استان‌ها آورد: در سیرجان، شرکت گل‌گهر بیش از هزار میلیارد تومان برای مسئولیت‌های اجتماعی و تیم فوتبال خود هزینه کرده است. در خوزستان و تبریز نیز نمونه‌های مشابهی داریم. اما در گلستان، برخی سرمایه‌گذاران از این مسئولیت‌ها شانه خالی می‌کنند. وی با اشاره به مشکلات تیم‌های ورزشی استان، گفت: برای حمایت از تیم‌های ورزشی مانند والیبال گنبد، با سرمایه‌گذاران مذاکره کرده‌ایم اما برخی از آن‌ها به دلیل فشارهای رسانه‌ای و فضای مجازی از سرمایه‌گذاری منصرف می‌شوند.

چالش‌های اقتصادی کشور و ضرورت مشارکت مردمی

طهماسبی به وضعیت اقتصادی کشور اشاره کرد و گفت: هیچ‌کس نمی‌تواند منکر بحران اقتصادی کنونی شود. تحریم‌های ناجوانمردانه زیرساخت‌های اقتصادی را تحت فشار قرار داده اما مردم ما با تلاش و کوشش در حال مقاومت هستند. وی با اشاره به اصل ۴۴ قانون اساسی و ضرورت خصوصی‌سازی، اظهار کرد: دولت منابع کافی برای رفع تمام نیازهای اقتصادی ندارد و برون‌سپاری بسیاری از پروژه‌ها به بخش خصوصی در دستور کار قرار گرفته و ما باید از ظرفیت‌های مردمی برای توسعه استفاده کنیم.

زیرساخت‌های شهری و چالش‌های مالی

طهماسبی با مقایسه بودجه شهرداری‌های گلستان با دیگر استان‌ها، گفت: در مازندران، شهری با ۱۳ هزار نفر جمعیت، ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه دارد اما در گلستان، کل بودجه ۳۶ شهرداری ما هشت میلیارد تومان است که نیمی از آن از دولت تأمین می‌شود. استاندار گلستان افزود: این محدودیت‌ها باعث شده بسیاری از شهرهای استان از نشاط و شادابی محروم شوند. استاندار گلستان به پروژه پتروشیمی گلستان اشاره کرد و گفت: با وجود سهامداری بیش از ۹۵ هزار نفر، این پروژه به دلیل عدم اعتقاد برخی اعضای هیات مدیره پیشرفت نکرده اما ما با جدیت پیگیر هستیم و امیدواریم تا پایان مهرماه شاهد پیشرفت‌های چشمگیری باشیم. وی همچنین از پیگیری پروژه‌هایی مانند تله‌کابین گرگان، کردکوی و علی‌آباد خبر داد و گفت: این پروژه‌ها با همکاری